

به نام خدا

مدلی برای ایجاد دانشگاه اسلامی بر مبنای الگوی امام صادق (علیه السلام)

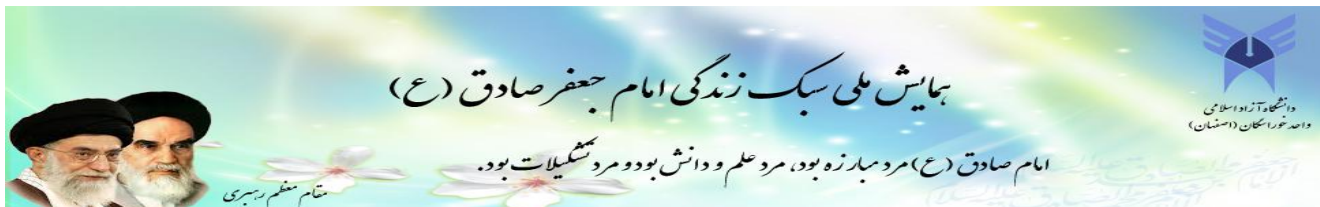
فرزانه صفائی طلعت صفایی

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ

کارمند موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت

farzansafaei@gmail.com

۲	مقدمه:
۲	۱- بررسی شرایط سیاسی فرهنگی دوران امامت امام صادق
۲	الف - شرایط سیاسی
۵	ب - شرایط فرهنگی
۶	۲- عوامل زمینه ساز دانشگاه جعفری
۶	۱- تلاشهای امام سجّاد و امام باقر علیهما السلام
۷	۲- آزادی نشر اندیشه های گوناگون
۷	۳- اختلافات و کشمکشهای دولتمردان بر سر قدرت
۷	۳- ویژگیهای دانشگاه اهل بیت علیهم السلام
۱۰	۳- دستاوردهای دانشگاه جعفری
۱۱	الف - تربیت گروه زیادی از افراد مستعد
۱۵	ب - تبیین فقه و تفسیر قرآن به روش خاص شیعی
۲۰	۴- مدلی برای ایجاد دانشگاه اسلامی بر مبنای الگوی امام صادق (ع)



امام صادق (علیه السلام) در طول زندگانی گوهربار خو تلاش های زیادی را برای ارشاد و راهنمایی مردم به کار بستند و در این زمینه تحمل رنجهای فراوانی نیز داشتند ولی چون هدف ایشان خدایی بود و در همه مراحل خداوند را در نظر می گرفتند لذا با تمامی مشکلات جنگیده و در این راه سر بلند بیرون آمدند. ایجاد دانشگاه های اسلامی با معیارهای اسلامی امروزه یکی از ضرورت های انکار پذیر است هر چند با مشکلات عدیده ای روبرو شویم و ما را افرادی غیر متمدن بدانند ولی ما درصدد هستیم تا بتوانیم جامعه ای آرمانی ایجاد کنیم در این نوشتار سعی بر آن است بعضی از خصوصیات دانشگاه امام صادق (علیه السلام) را مورد بررسی قرار دهیم

۱- بررسی شرایط سیاسی فرهنگی دوران امامت امام صادق

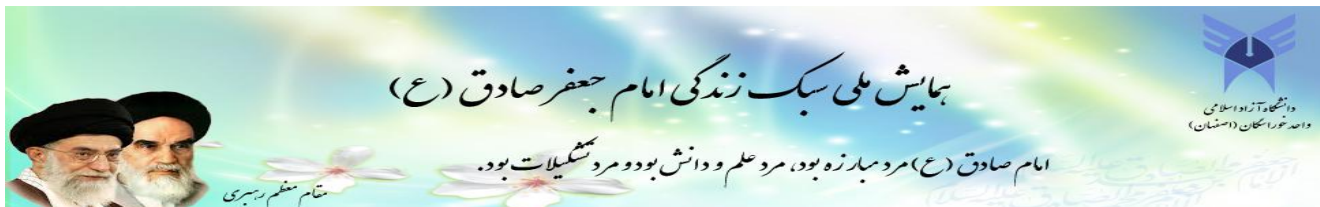
دوران امامت امام صادق (ع) از نظر سیاسی و فرهنگی از حساسیت و موقعیت ویژه ای برخوردار بود که در سیاستها و موضعگیریهای آن حضرت در ارتباط با جریان سیاسی و مسائل فرهنگی نقش بسزایی داشت. در ذیل به تفکیک - در حد گنجایش درس - به تشریح موقعیت سیاسی - فرهنگی دوران امامت آن حضرت می پردازیم.

الف - شرایط سیاسی

جامعه اسلامی در دوران امامت امام صادق (ع) از نظر سیاسی - اجتماعی با فراز نشیبها و تحولات مهمی رو به رو بود. این دوره از تاریخ اسلام از نظر مورخان، دوران بی ثباتی سیاسی و بروز فتنه ها و آشوبها در جامعه اسلامی است.

اداره سیاسی کشور اسلامی در نیمه دوم قرن نخست و اوائل قرن دوم هجری در دست غاصب و نالایق خاندان (سفیان) و (حکم) بود. موضعگیری صریح و کنیه توزانه زمامداران اموی و کارگزاران آنان در برابر اسلام ناب و جبهه امامت، جنایات هولناک و کم نظیر آنان در حق آزادیخواهان و حق جویان، بویژه خویشان و خاندان پیامبلا(ص)، ایجاد جوّ وحشت و اختناق در سطح جامعه، وارد آوردن فشار اقتصادی توانفرسا بر توده های مردم، بی کفایتی و خود کامگی و قدرت طلبی زمامداران اموی و ... همه از عوامل بود که در دامن زدن به فتنه ها و قیامهای مردمی و تحولات سیاسی پی در پی در جامعه اسلامی بویژه درون دستگاه خلافت مؤثر بود، که در نهایت به اضمحلال و سرنگونی آن منتهی شد.

با سقوط حکومت اموی در هیجدهمین سال امامت امام صادق (ع)، عباسیان که در حقیقت روی دیگر سکه امویان بودند، بر مسند خلافت تکیه زدند. آنان پس از استوار ساختن پایه های حکومت خود، در مقابل اسلام علوی و رهبران آن و عموم مردم، همان سیاستی را در پیش گرفتند که بنی امیه داشتند، بلکه در بعضی ابعاد ظلم و جنایت، بر آنان نیز پیشی گرفتند. چندانکه برخی افرادی که هر دو دوره را درک کرده بودند چنین آرزو می کردند:



يا لَيْتَ جَوْزُ بَنِي مَرَّانٍ عَادَلْنَا

وَآنَ عَدَلَّ بَنِي الْعَبَّاسِ فِي النَّارِ^۱

ای کاش، ستم مروانیان برای ما باز می گشت و عدالت عباسیان در آتش می افتاد

از جمله ویژگیهای برجسته این دوره که بیانگر اوضاع سیاسی - اجتماعی جامعه اسلامی است ، پیدایش و گسترش شورشها و قیامها علیه حکومتداران است . این شورشها و قیامها هر چند با انگیزه ها و اهداف گوناگون اسلامی و غیر اسلامی انجام می گرفت ، لیکن شورشگران و انقلابیون در ضدیت با دستگاه خلافت و سرنگونی رژیم غاصبانه و ستمگرانه اموی و عباسی با یکدیگر هم عقیده بودند. این شورشها و قیامها فراوان است که ما به تفکیک دو دوران به مهمترین آنها اشاره می کنیم.

۱- قیامها در دوران امویان

شورش حارت بن سریج که از آزادیخواهان بود و در سال ۱۱۶ هجری علیه حکومت مروانیان در خراسان قیام کرد و مردم را به کتاب خاد و سنت پیامبر(ص) و بیعت برای (الرضا من آل محمد) فرا خواند. قیام وی ، شهرهای فاریاب ، بلخ ، جوزجان ، طالقان مرو و رود را در بر گرفت و سرانجام در سال ۱۲۸ در مرو از نیروهای حکومتی شکست خورد و کشته شد...^۲(۲۸)

مردم آفریفا که از ستم و احجاف حکمرانان هشام بن عبدالملک به ستوه آمده بودند، در سال ۱۱۷ هجری دست به قیام زدند و در چندین مرحله با نیروهای حکومتی درگیر شدند...^۳(۲۹) قیام زیدبن علی که در سال ۱۲۱ هجری در کوفه رخ داد. بسیاری از آزادیخواهان گرد او جمع شدند. وی انگیزه خود از قیام را دعوت به کتاب خدا و سنت پیامبر(ص)، مبارزه با ستمگران و حمایت از ستمدیدگان و دفاع از حریم مقدس امامت بیان کرد...^۴(۳۰)

زید با یاران وفادار خود به نبرد با نیروهای حکومتی پرداخت و در جنگی نابرابر پس از دو روز مقاومت و به هلاکت رساندن گروه زیادی از لشکریان دشمن به شهادت رسید...^۵(۳۱)

قیام یحیی بن زید که به انگیزه انتقام خون پدر و ادای تکلیف در دوران ولیدبن یزید به سال ۱۲۵ صورت گرفت...^۶(۳۲)

قیام عبدالله بن معاویه علوی که در سال ۱۲۷ علیه حکومت یزیدبن ولید در کوفه رخ داد. وی مردم را به (الرضا من آل محمد) فرا می خواند. برخی از شخصیتهای برجسته هاشمی مثل سفاح ، منصور و عیسی بن

۱- المحالسن و المساوی ، ص ۲۴۶ ، دارصادر (بیروت) .

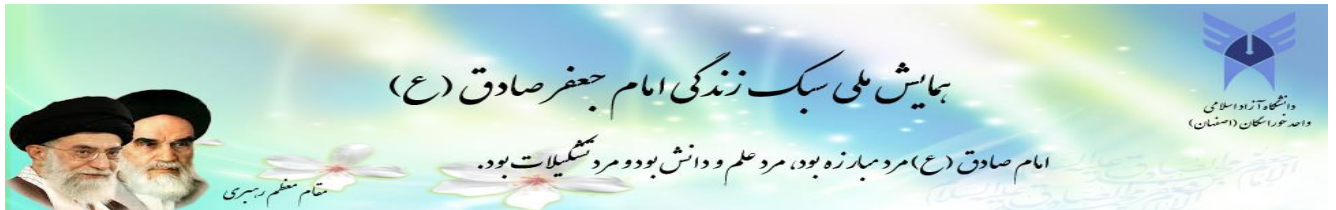
۲- ر . ک : الاعلام ، ج ۲ بیروت ، ص ۱۵۴ و کامل ، ج ۵ ، ص ۱۸۳ ، دارصادر (بیروت) .

۳- ر ک : کامل ، ج ۵ ، ص ۱۹۰ - ۱۹۴ .

۴- همان ، ص ۲۳۵ .

۵- ر . ک : مقاتل الطالبیین ، ص ۹۵ - ۹۷ .

۶- همان ، ص ۱۰۳ - ۱۰۷ .



علی از دعوت او استقبال کردند و به یاری اش شتافتند. نهضت او تا دوران خلافت آخرین خلیفه اموی ادامه داشت (۳۳)۱.

۲- قیامها در دوران عباسیان

بنی عباس هر چند با تکیه بر شعارهای علویان و حمایت مردمی که از ستم امویان به ستوه آمده بودند، توانستند حکومت را قبضه کنند، لیکن از آنجا که سنگ بنای حکومتشان بر باطل بود، در اندک زمانی پس از به قدرت رسیدن، چهره ضد اسلامی و ضد مردم خود را بر ملا کردند که این کار مخالفتها و شورشهای مردمی را به دنبال داشت. مهمترین این قیامها در دوران امامت امام صادق (ع) عبارت است از:

- شورش مردم جزیره، در سال ۱۳۳ علیه حکومت نوپای سفاح و خلع وی از خلافت و درگیری با نیروهای حکومتی.^۲
- شورش مردم موصل، در سال ۱۳۳ علیه سفاح و بیرون کردن کارگزار وی از موصل و درگیری و نبرد شدید با نیروهای حکومتی.^۳
- قیام محمدبن عبدالله بن حسن معروف به نفس زکیه که در سال ۱۴۱ هجری در مدینه رخ داد و گروهی زیادی از مردم پذیرای دعوت او شدند.^۴
- قیام ابراهیم بن عبدالله بن حسن که به سال ۱۴۵ در بصره روی داد. وی پس از تسلط بر بصره، نمایندگان به اهواز، فارس و واسط فرستاد و از این مناطق نیروهای زیادی به نهضت وی پیوستند.^۵
- ابراهیم در مبارزه اش علیه حکومت پیروزیهای چشمگیری کسب کرد و تاپشت دروازه های کوفه پیش رفت^۶ اینها نمونه هایی از قیامها و شورشهایی بود که در دوران امامت امام صادق (ع) رخ داده و نشان دهنده وضعیت سیاسی - اجتماعی جامعه اسلامی در این دوره از تاریخ اسلام است.

ب- شرایط فرهنگی

دوران امامت پیشوای ششم از نظر فرهنگی دوران تحول فکری و پیدایش و گسترش فرقه ها و گروههای مختلف اعتقادی بود. در این دوران که نسلهای جدیدی از تازه مسلمانان با ملیتهای گوناگون به امت بزرگ اسلامی پیوسته بودند، بطور طبیعی عقاید و یافته های علمی و فرهنگی خود را نیز به جهان

۱- ک: مقاتل الطالبیین، ص ۱۱۱- ۱۱۵ و الفخری، ابن طقطقی، ص ۱۳۸، بیروت

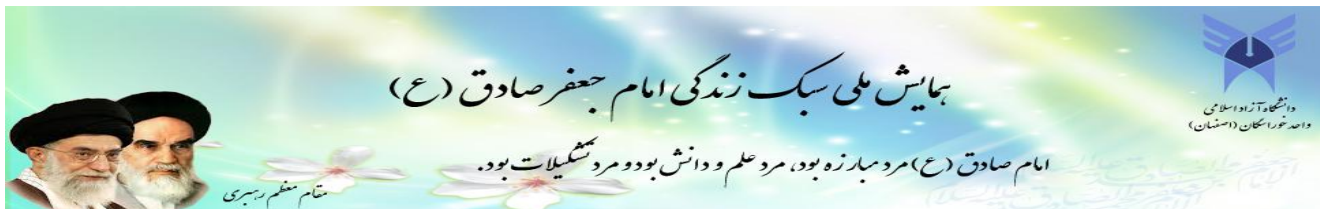
۲- ک: کامل، ج ۵، ص ۴۳۴.

۳- ر: ک: تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵۷.

۴- همان، ص ۳۷۶.

۵- ر: ک: تاریخ یعقوبی، ج ۳۲، ص ۳۷۷ و کامل، ج ۵، ص ۵۶۲

۶- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۷۸.



اسلام وارد کردند؛ از سوی دیگر شرایط سیاسی - اجتماعی جامعه اسلامی، فتوحات نظامی و گستردگی قلمرو مناطق تحت نفوذ اسلام ایجاب می کرد مسلمانان با دنیای خارج، روابطی گسترده برقرار کنند و با افکار و اندیشه های فلسفی و کلامی بیگانگان آشنا شوند.

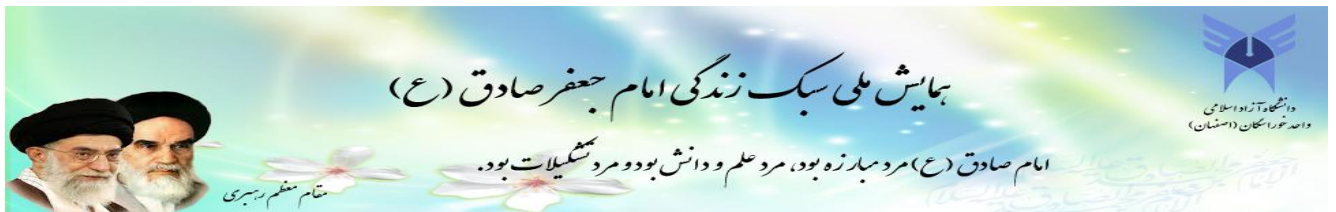
این تحوّل، بر فرهنگ جامعه اسلامی و افکار مسلمانان تأثیر قابل توجهی گذاشت. و باب بحث و جدال و مناقشات علمی بر روی بسیاری از حقایق و معارف اسلامی گشوده شد. لیکن پیامدهای منفی زیادی نیز به بار آورد که نفوذ افکار بیگانگان در میان مسلمانان و در پی آن پدید آمدن شبهات و انحرافات فکری و اعتقادی - که به عنوان یک خطر جدی، اسلام را تهدید می کرد - از جمله آنهاست.

فاصله زمانی بیش از یک قرن آغاز این دوره با ظهور اسلام، و روی کار آمدن نسل جدیدی از تازه مسلمانان، حاکمیت جوّ اختناق و فشار از سوی حکمرانان اموی و عباسی، بر کناری امامان معصوم علیهم السلام از منصب رهبری و ارشاد امت و تحریف و وارونه جلوه دادن بسیاری از اصول و معارف اسلامی توسط قدرتمندان اموی و عالمان در باری و... امت اسلامی این دوره را از نظر آگاهی و شناخت نسبت به اسلام ناب و معارف آن در پایین ترین سطح خود قرار داده بود. اعتراف گروهی از مردم شام نزد سفاح، خلیفه عباسی - مبنی بر اینکه ما تاکنون نمی دانستیم رسول خدا (ص) بجز بنی امیه، خویشانی هم دارد، تا آنکه شما قیام کردید و مطلب برای ما آشکار شد. (۳۹)^۱ - گواه روشنی برای حقیقت است.

این زمینه ها و عوامل، تهاجم فرهنگی گسترده ای را علیه اسلام اصیل به دنبال داشت. کشمکشهای علمی و مباحثات و مناظرات پیرامون مسائل اعتقادی موجب پیدایش و نشور و نمای احزاب و گروههای مذهبی و غیر مذهبی از قبیل: (کیسانیه)، (زیدیه)، (غلات)، (مرجئه)، (معتزله)، (خوارج)، (زنادقه) و... شد. هر گروه برای خود، مدرسه و تشکیلاتی داشت و با گروههای دیگر با مناظره و مجادله می پرداخت. متأسفانه برخی از گروههای انحرافی، حمایتهای دستگاہ خلافت را نیز با خود داشتند.

از سوی دیگر، پیدایش و گسترش روز افزون اندیشه های ناسالم، عطش فراگیری فرهنگ و معارف اصیل اسلام را در مسلمانان واقعی افزوده زمینه نزدیک شدن آنان بیش از پیش به بیت امامت را فراهمی می ساخت. اینها همه مسائلی بود که این دوران را از نظر فرهنگی در مقایسه با دورانهای پیشین، یک دوراین بحرانی و استثنایی به شمار آورده، نهضت علیم بنیادین و گسترده ای را از سوی امام جعفر صادق (ع) ایجاب می کرد.

۲- عوامل زمینه ساز دانشگاه جعفری



عوامل گوناگونی در پیدایش و گسترش دانشگاه بزرگ جعفری نقش داشتند که در ذیل به مهمترین آنها اشاره می کنیم.

۱- تلاشهای امام سجّاد و امام باقر علیهم السلام

تلاشهای طاقت فرسای پیشوای چهارم و پنجم در آن شرایط سخت، زمینه را برای تشکیل حوزه علمی و تربیتی امام صادق (ع) فراهم ساخت.

امام سجّاد (ع) در دوران امامت خود با کوشش و تلاش مستمر، در کنار فعالیتها ایدئولوژیک و مبارزه با تحریف و تغییر که به وسیله حاکمان اموی در خطوط اصلی ایدئولوژی اسلامی پدید آمده بود، کار بنیادی و در مدت خود را برای ایجاد تحول فرهنگی در جامعه اسلامی آغاز کرد و موفق شد بذر تحرک و سازندگی را در جامعه استا و منحطی که مردم آن، سالیان درازی بر اثر محروم بودن از هدایت و رهنمودهای امامان معصوم در مرداب اندیشه های خرافی و جاهلی غرق شده و از اسلام اصیل فاصله گرفته بودند، بکارد و از آنان انسانهایی بسازد که بتوانند بار سنگین رستخیز دوباره اسلام را بر دوش بگیرند و تحولی همانند تحولی که رسول خدا (ص) در متن جامعه جاهلی پدید آورد، پدید آورند.

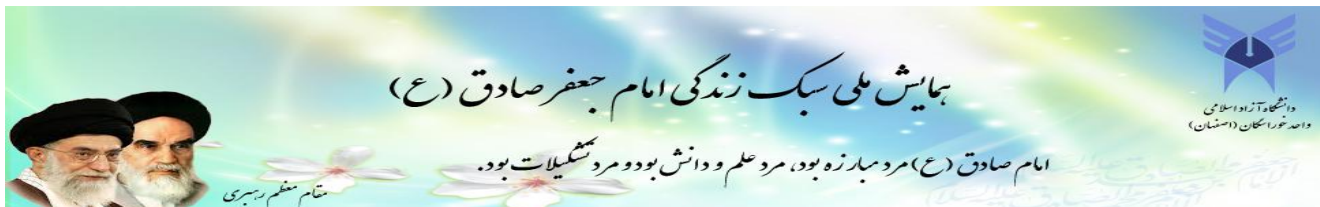
عناصر اصلی این انقلاب فرهنگی پس از واقعه عاشورا، به دست امام سجّاد (ع) پروده شد. رمز عدم برخورد حادّ و تند آن حضرت با خلفای زمان خود همین است. چرا که اتخاذ سیاست حادّ در آن شرایط، موجب می شد آن حضرت پیش از آن که موفق به انجام رسالت زیربنایی خود شود، به شهادت برسد.

امام باقر (ع) برنامه بنیادی و فعالیتهای آرام پدر بزرگوارش را در شعاعی گسترده تر پی گرفت؛ در نتیجه، زمینه برای گرایش افراد بیشتر به دستگاه امامت فراهم شد؛ چندان که وقتی که گرامی وارد مسجد پیامبر (ص) می شد گروه زیادی از شیعیان گرد او را گرفته از مسائل مختلف فقهی می پرسیدند.

بدین ترتیب، نهالی که در سرزمین کربلا به دست حسین بن علی (ع) کاشته و با خون آبیاری شد در دوران ۵۳ ساله امامت امام سجّاد و امام باقر علیهما السلام به برگ و بار نشست؛ هر چند هنوز عامه مردم بر اثر تباها سازیها و ویرانگریهای سردمداران اموی از جبهه امامت دور بودند.

۲- آزادی نشر اندیشه های گوناگون

در قرن نخست هجری - بویژه نیمه اول آن - در داخل کشور اسلامی، در مقابل جبهه امامت یک جبهه بیشتر وجود نداشت و آن جبهه خلافت بود. سایر جبهه های فکری و سیاسی اگر هم به وجود آمده بودند اسم و رسم و تابویی نداشتند. اما به تدریج، با گذشت زمان و فتح سرزمینهای جدید و آشنایی مسلمانان با مکتبها و مرامهای گوناگون، جبهه های دیگری نیز نمودار شد. پیدایش و گسترش اندیشه های



مختلف فکری بویژه تفکر، مادی و شبه الحادی که به طور دائم سعی در ایجاد شبهه و ابهام در معارف و عقاید اسلامی داشتند و تلاشهای خود را در جهت خدشه دار کردن چهره اسلام و متزلزل ساختن مبانی اعتقادی مسلمانان، متمرکز کرده بودند، و نیز فعالیتهای روز افزون دستگاه خلافت در بکارگیری و اجیر کردن عالمان بی دین که اسلام و احکام آن را به اقتضای سیاست ملکداری حاکمان غاصب، تبیین و تفسیر می کردند، همه او عواملی بود که امام صادق (ع) را به نهضتی فرهنگی و جهادی علمی وادار کرد.

۳- اختلافات و کشمکشهای دولتمردان بر سر قدرت

موج نا آرامی و قیامها و شورشهای مردمی علیه سیاستهای امویان که پس از شهادت زید بن علی و فرزندش یحیی رو به فزونی نهاده بود و نیز منازعات و کشمکشهای دولتمردان بر سر قدرت. از مسائلی بود که آنان را به خود مشغول ساخته حکومت و دولتشان را به ناتوانی و آشفتگی کشانده بود، و زمینه ساز جهاد علمی و فرهنگی پیشوای ششم گشت.

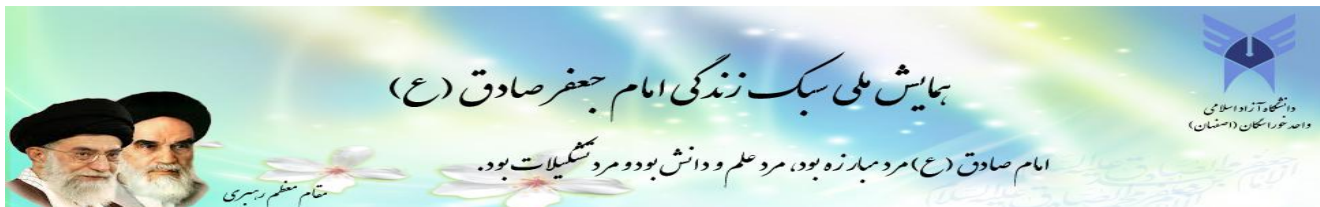
۳- ویژگیهای دانشگاه اهل بیت علیهم السلام

۱. از ویژگیهای دانشگاه امام صادق (ع) که موجب تفاوت آن با سایر مکاتب بود، این بود که این دانشگاه در تعلیم دانش و معرفت دست به انتخاب دانشجویان نزده و فقط به تعالیم عناصر دوستدار اهل بیت علیهم السلام نمی- پرداخت؛ بلکه درهای آن به روی طالبان علم از گرایشهای مختلف باز بود. ابوحنیفه که یکی از مخالفان راه و روش امام صادق علیه اسلام بوده و از کساتی است که در مسلک قیاس چنان پیش رفته که امام صادق و اصحاب آن حضرت را انکار کرده و به بعضی از اصحاب آن حضرت مانند مؤمن الطاق اسم شیطان داده، خود از کسانی است که در دانشگاه امام صادق (ع) تحصیل کرده و بسیاری از مسائل را از امام صادق (ع) پرسیده و از آن حضرت روایت کرده است. او در مدینه مدتی را با امام صادق (ع) در ارتباط بوده است. وی خود از کسانی بوده است که در قیام زید بن علی یاور او بوده و در دعوت به قیام زید بن علی با او همکاری داشته و می گفته است خروج زید برای جدال و نبرد با امویان مانند خروج رسول الله (صلی الله علیه و آله) در روز جنگ بدر است.^۱

۲. دانشگاه امام صادق (ع) بسیاری از رشتههای معرفت اسلامی و علوم انسانی را در بر داشته اس. آن حضرت اهمیت ویژه ای به قرآن، سنت، فقه، تاریخ، اصول، عقیده، کلام و فلسفه اسلامی می داده است. کما اینکه به علوم دیگری مانند: ستاره شناسی، پزشکی، جانورشناسی، گیاه شناسی، شیمی و فیزیک نیز اهمیت خاصی می داده است.

۳. دانشگاه امام صادق (ع) هیچگاه وابسته به هیچکدام از دولت های وقت چه دولت اموی و چه دولت عباسی نبوده و هیچگاه به سیاست دولت های حاکم آلوده نشده، هیچگاه ابزار خدمت حاکمان نگر دیده بود، بلکه امت اسلام با دیدن استقلال این دانشگاه، تنها آن را برآورنده آمال و آرزوهای خود می دانستند. چرا که می دیدند در رأس این

^۱ - حیاة الامامه محمد الباقر ۷۵/۱.



دانشگاه وارث علم پیامبر اکرم (ص)، بزرگ پرچمدار تفکر محمدی، امام ابو عبدالله جعفر بن محمد صادق (ع) نشسته است. کسی که مرضع یری ها و استقامت او مشهور بوده و به خاطر اخلاق بلندی که داشته به صادق ملقب گردیده و هیچگاه در برابر سیاست حکام منحرف از خودمستی و نرمش نشان نداده است.

از اینجاست که دانشگاه امام صادق (ع) حالت دژی سیاسی و فکری به خود گرفته که طالبان حقیقت و کسانی که احساس مسئولیت کرده و می خواستند از وادی گمراهی ای که جریانات فکری و سیاسی مختلف برای آن ها به وجود آورده بودند رهایی یابند، به آن دژ مستحکم پناهنده شوند.

۴. دانشگاه امام صادق (ع) ویژگی دیگری هم داشت؛ شیوه صحیح و عمیق فکری که برنامه آماده سازی علمی آن مبتنی بر انباشته های ذهنی نبوده، بلکه مبتنی بر اندیشه، تعمق، اصالت و بالندگی توانایی های علمی بوده و اینها را از مهم ترین بنیان های شیوه آموزشی و پرورشی خود به شمار می آورده است.

۵. از این دانشگاه سنبل های علم و تقوی و استقامت فارغ التحصیل شدند. کسانی که به خدمات علمی و دینی به جامعه، نوآوری در تخصص های مختلف علمی و موفقیت در عرصه دعوت و اصلاح بین مردم در جامعه معروف شده، به گونه ای که منتسب بودن به دانشگاه امام صادق (ع) یکی از افتخارات بزرگ به حساب آمده و می بینیم عدد دانشجویان این دانشگاه به چهار هزار نفر رسید.

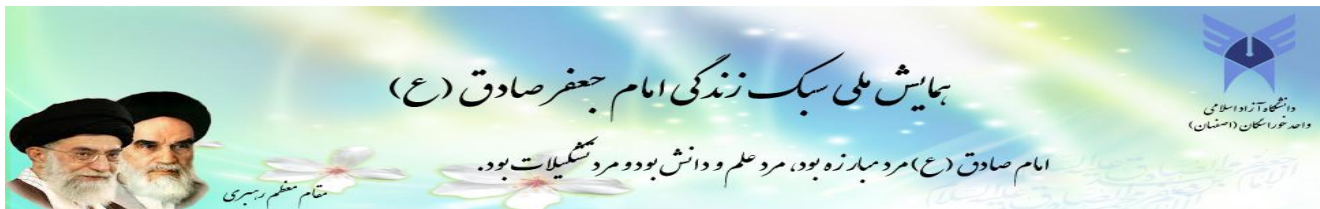
۶. این دانشگاه بعدها گسترش یافته و شعبه های مختلفی در کوفه، بصره، قم و مصر از آن دایر گردید.

۷. امام صادق (ع) فعالیت خود در عرصه این دانشگاه را جدای از دیگر فعالیت های خود در حرکت انقلابی و سیر تغییر و تحول جامعه قرار نداده بود بلکه این دانشگاه نیز قسمتی از برنامه اصلاحی آن حضرت بوده است. چراکه این دانشگاه به حق بستر مناسبی برای تربیت افراد صالح و دنباله مؤثر حرکت عام آن حضرت برای تربیت امت بوده است. به علاوه نتایج سیاسی مثبتی که این دانشگاه در تربیت مهره های مؤثر سیاسی داشته و کادر علمی ای که در مدرسه امام صادق (ع) تربیت شدند، همان کسانی هستند که در تمام فعالیت های خاص امام شرکت دارند.

۸. دانشگاه امام صادق (ع) امتیاز مهم دیگری که داشت، ارتباط مستقیم با منابع تشریف و معرفت بوده که عبارت از قرآن کریم و سنت شریف نبوی است، که در هیچ عصر و زمانی مثل و مانندی برای آن یافت نمی شود.

از اینجاست که می بینیم امام صادق (ع) اشتیقا شدیدی داشتند که در این دانشگاه در امر تدوین حدیث و حفظ مضمون آن فعالیت گسترده ای صورت گیرد. چرا که در گذشته ای نه چندان دور حدیث شریف نبوی، دستخوش نابودی، تحریف و استفاده ابزاری سیاسی منحرف، گشته و از تدوین آن منع می شد. البته به رغم همه شعارهایی که از سوی حکومت ها سر داده می شد و هدف از منع تدوین حدیث را حراست قرآن از تحریف عنوان می کرد، هیچ یک از ائمه معصومین (ع) به دستور منع تدوین حدیث اعتنایی نکردند.

البته پیداست که هدف دراز مدت آنان از منع تدوین حدیث، از بین بردن و نابود کردن حریت شریف نبوی است که در اکثر آن احادیث تأکید به ارتباط امت با اهل بیت (ع) به چشم می خورد. پس هدف حاکمان، دور کردن مردم از اهل بیت (ع) بوده است؛ زیرا هنگامی که حدیث شریف نبوی بر این ارتباط تأکید می کند، مانع از دنباله روی مردم از هر حاکم ستمگر یا مدعی سیاست باز خواهد شد.



امام صادق (ع) فرموده‌اند:

به خدا سوگند که در نزد ما آنچنان دانشی است که ما به احدی محتاج نمی‌شویم، اما تمام مردم به ما احتیاج دارند و ما کتابی به املاء رسول خدا (ص) و خط علی بن ابی طالب (ع) در دست داریم که طول آن هفتاد ذراع است و در آن تمام حلال و حرام خدا نوشته شده است.^۱

و نیز از آن حصرت روایت شده که فرمود:

دانش ما از قدیم‌الایام بوده و تا ابد خواهد بود. دانشی که در کتاب نوشته، در دل‌ها حک شده و گوش‌ها را نواخته است. جعفر سرخ، جعفر سفید، مصحف فاطمه (علیها السلام) و صحیفه جامعه در نزد ماست که در آن همه آنچه مردم بدان محتاج هستند جمع شده است.^۲

۹. در دانشگاه امام صادق (ع) اهمیت فراوانی به تدوین و نگارش کتاب داده می‌شده و یکی از ویژگی‌های آن دانشگاه نشر و پرورش و پیشرفت علم و دانش و کتابت بوده است.

امام صادق (ع) دانشجویان خود را به نوشتن دستور می‌داد و ضرورت تدوین و نوشتن کتاب را به آنان گوشزد می‌فرمود. می‌بینیم که آن حضرت فرموده‌اند:

کتاب‌هایتان را حفظ کنید، چراکه شما به زودی به این کتاب‌ها احتیاج پیدا خواهید کرد.^۳

آن حضرت زراره را که یکی از اصحاب آن حضرت بود و در امر علم حدیث فعالیت فراوانی داشت، این چنین تأکید فرموده‌اند: خداوند زراره بن اعین را رحمت کند که اگر زراره نبود، احادیث پدر من منقرض می‌گردید. آن حضرت درباره همین زراره و گروه دیگری از اصحاب خود چون ابوصیر، محمد بن مسلم و برید عجللی چنین سخن رانده است:

«لولا هؤلاء ما كان أحد يستنبط هذا الفقه، هؤلاء حفاظ الدين و أمناء أبي (عليه السلام) علي حلاله و حرامه و هم السابقون الينا في الدنيا و الآخرة»؛

اگر اینها نبودند، هیچکس قدرت استنباط این فقه را پیدا نمی‌کرد، اینان حافظان دین و امینان پدرم بر حلال و حرام خدا بوده‌اند. آن‌ها در دنیا و آخرت از کسانی هستند که به سمت ما آمده و از دیگران سبقت می‌گیرند.^۴

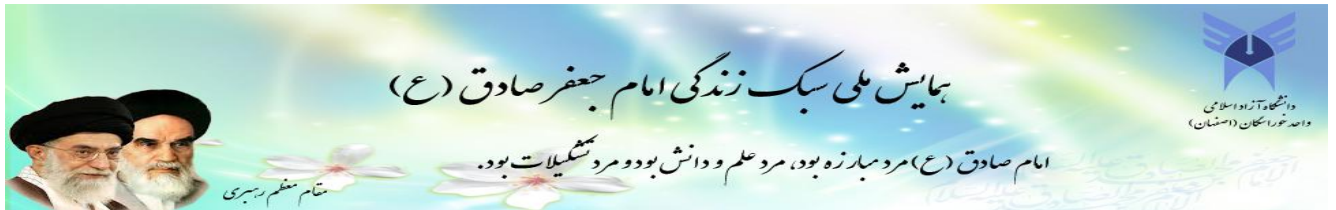
امام صادق (ع) دانشجویان خود را به خوب درس خواندن و مباحثه کردن دستور می‌داده است. آن حضرت به مفضل بن عمر فرموده است: دانش خود را بنویس و در میان برادرانت چخش کن. و چون از دنیا بروی از خود برای

^۱ - بصائر الدرجات ۱۴۹/.

^۲ - ارشاد ۱۸۶/۲. به نقل از آن در مناقب آل ابی طالب ۳۹۶/۴، احتجاج ۱۳۴/۲، بحارالانوار ۲۶/۴۷ که در آن این عبارت اضافه شده است از حضرت تفسیر این حدیث را سؤال کردند، آن حضرت فرمودند غابر به معنای علم به آینده است.

^۳ - کافی ۵۲/۱.

^۴ - وسائل الشیعه، ۵۷/۸ - ۵۹.



فرزندان کتاب به ارث و یادگار بگذار، که زمانی بر مردم خواهد رسید پر آشوب، که مردم جز با کتاب‌هایشان با چیز دیگری انس نگیرند.^۱

بر همین اساس است که اصحاب امام صادق (ع) به کتابت و تدوین احادیث اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل بودند. تا جایی که اصول چهارصدگانه معروف، به دست آنان تدوین گردید^۲، که این اصول چهارصدگانه اولین مجموعه‌های حدیثی شیعه امامیه را تشکیل می‌داده است.

۱۰. از دیگر مشخصات مدرسه امام صادق (ع) پرورش اندیشه اسلامی و تکامل آن در ضمن تخصص‌های علمی در رشته‌های مختلف معرفت اسلامی است
تخصص علمی در دانشگاه امام صادق (ع)

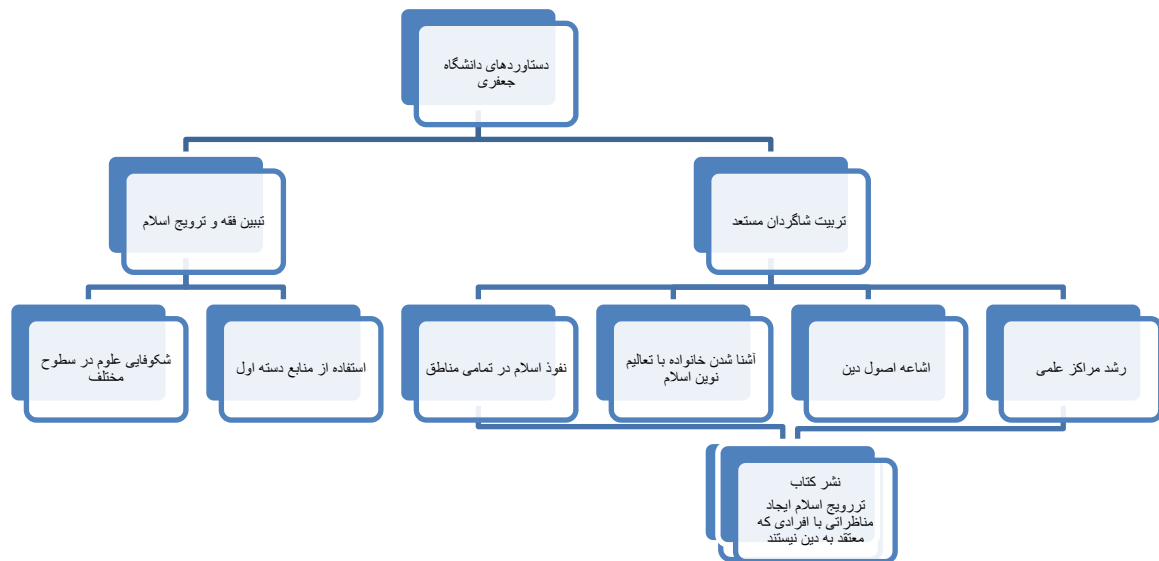
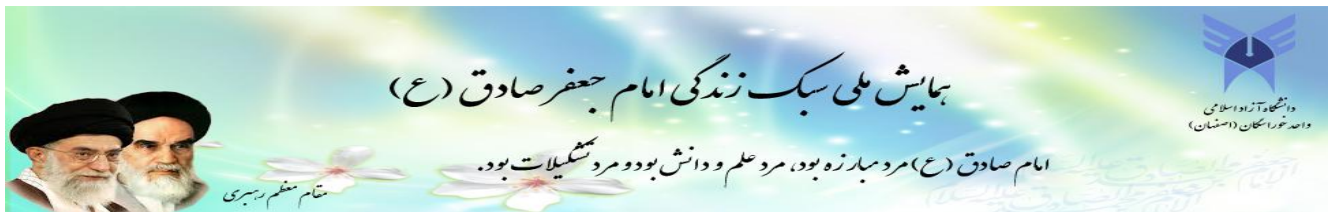
امام صادق (ع) در این مرحله، کاملاً به اهمیت تخصص و نقش آن در بالندگی و تکامل اندیشه اسلامی آگاهی داشتند. آن حضرت می‌دانستند که تخصصی شدن علوم نقش مهمی در به کارگیری نیروهای زیادی که به دانشگاه آن حضرت مراجعه می‌کردند داشته، و می‌توان با تخصصی کردن، آموزش دانشگاه را متنوع کرد و با این کار بر بار علمی دانشگاه افزود. لذا است که امام (ع) دانشجویان خود را به سوی تخصص‌های علمی راهنمایی می‌کرده‌اند. آن حضرت شخصاً بر امر دانش آموزی آنان اشراف داشته و اشکالاتی که در ضمن کار به وجود می‌آمد حل کرده و حرکت علمی دانشگاه را به پیش می‌برده‌اند.

۳- دستاوردهای دانشگاه جعفری

دانشگاه بزرگی که به دست پیشوای مذهب شیعه بنیاد نهاده شد برکات و دستاوردهای ارزشمندی داشت که در ضمن سه درس به مهمترین آنها اشاره می‌کنیم.

^۱ - اصول کافی ۵۲/۱.

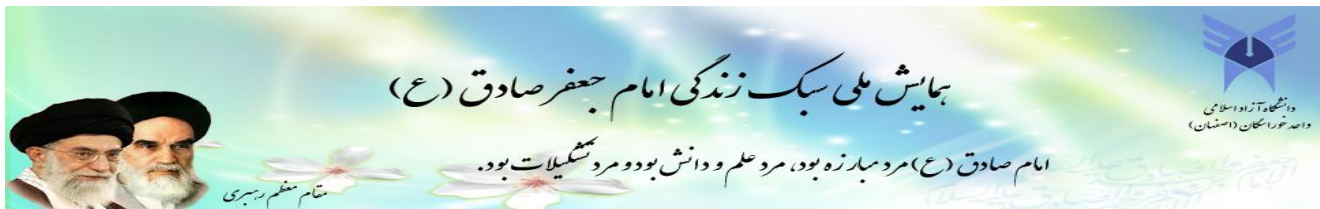
^۲ - وسائل الشیعه، ۵۷/۱۸ - ۵۹.



الف - تربیت گروه زیادی از افراد مستعد

از جمله برکات و دستاوردهای مهم دانشگاه جعفری ، پرورش تعدادی زیادی از افراد حق طلب و دانشجو در رشته های مختلف علمی بود که وجود بسیاری از آنان مایه افتخار و سربلندی جهان اسلام بویژه جامعه تشیع می باشد.

دانشجویان دانشگاه جعفری در زمینه مسائل تربیتی و خودسازی و پیمودن مراحل رشد و کمالات نفسانی و نیز فراگیری علوم مختلف از محضر امام صادق (ع) و انتقال آنها به دیگران ؛ همچنین مبارزه با خطوط و جریانهای فکری و سیاسی انحرافی و پاسداری از حریم امامت و اصول و ارزشهای آن گامهای بلندی برداشتند. برخی از آنان آنچنان منزلتی پیدا کردند که نه تنها در آن زمان مشعلدار علم و هدایت بودند، بلکه نظرات و دیدگاههای علمی آنان هم اکنون نیز مورد توجه مراکز بزرگ علمی و دانشگاهی جهان است و به عنوان پایه گذاران دانش جدید شناخته می شوند.



مورخان و محدثان، تعداد پرورش یافتگان مکتب جعفری و راویان احادیث امام صادق (ع) را بالغ بر چهار هزار نفر ذکر کرده اند. (۶۸) که از نقاط مختلف مثل خراسان، بغداد، مصر، دمشق، حمص، حضرموت، کوفه و ... روی به مدینه آورده و در محضر پیشوای ششم علم می آموختند. براساس نوشته مورخان، بیشترین رقم شاگردان آن حضرت را مردم حجاز و عراق و کمترین رقم را مردم شام تشکیل می داد. علت اساسی آن را باید سابقه فکری و فرهنگی این دو نقطه دانست. مردم مدینه و کوفه - که دو مرکز مهم حکومت و نشر و گسترش اسلام و تشیع بشمار می رفتند - آمادگی بیشتری برای گرایش به اهل بیت و پذیرش حقیقت داشتند؛ در مقابل، مردم شام در طول سالیان دراز توسط حکمرانان اموی از اسلام و معارف آن دور نگهداشته شده بودند؛ از این رو، در این ناحیه بیش از ده نفر، افتخار شاگردی پیشوای ششم و کسب فیض از محضر مبارک آن حضرت را پیدا نکردند. (۶۹)^۲

تشکیل حوزه گسترده علمی و تربیت جمع زیادی از دانشمندان، محدثان، فقیهان و صاحب نظران در رشته های مختلف علمی با آن همه محدودیتها و فشارهای سیاسی که از سوی دستگاه خلافت نسبت به پیشوای ششم اعمال می شد، از بزرگترین خدمات آن حضرت در آن شرایط بشمار می رود.

البته میزان کسب فیض و بهره گیری افراد از نور دانش امامت و تغذیه آنان از سفره گسترده پیشوای امت متفاوت بود و هر کسی به مقدار ظرفیت، لیاقت و آمادگی خود از آن استفاده می کرد.

تعدادی از شاگردان امام (ع) از محضر وی تنها بهره علمی بردند، بدون آنکه جانشان را با آب حیاتبخش دانش فراگرفته، شستشو دهند. ابوحنیفه، مالک بن انس، سفیان ثوری، سفیان بن عیینه و دهها نفر دیگر از علمای عامه جزو این گروه بودند.

برخی دیگر آمادگی بیشتری داشتند و به موازات بهره های علمی و نقل روایت از امام (ع) در بعد اعتقادی و تربیتی نیز پیشرفتهایی نموده فکر و جان خود را از سر چشمه زلال امامت سیراب کردند و در آن شرایط حساس فرهنگی و سیاسی، راه حق و رشد و کمال را پیموده وجود خویش را از انحراف و لغزش پاس داشتند. بیشتر دانشجویان مکتب جعفری را این گروه تشکیل می دادند.

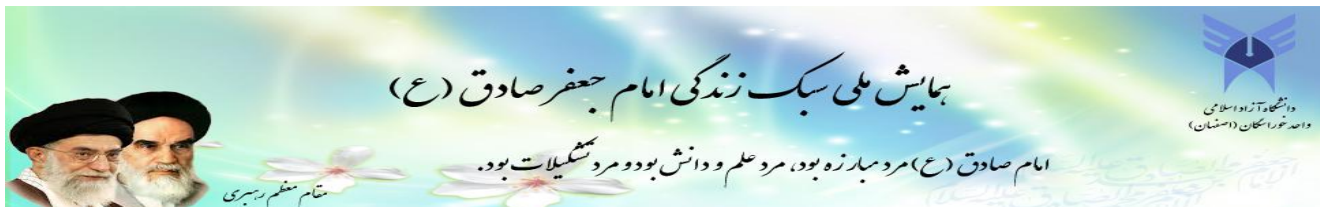
گروه سوم افرادی بودند که از محضر امام (ع) بیشترین استفاده را برده در بعد علمی و علمی پیشرفتهای شگرف و تحسین برانگیزی داشتند. آنان در زمینه علمی به چنان توانمندی دست یافتند که امام (ع)، بخشی از فعالیتهای علمی و مناظرات و مبارزات فرهنگی خود با سران گروههای مخالف را به ایشان واگذار می کرد. (۷۰)+++ و با اعتماد و اطمینان خاطر از آنان می خواست که بر کرسی فتوا تکیه زنند و به مسائل و مراجعات دینی مردم پاسخ گویند. (۷۱)^۴ در بعد اعتقادی، معنوی و تربیتی نیز به حدی از رشد

۱- برای آگاهی از نظرات آنان در باره تعداد راویان و دانشجویان، به الامام الصادق و المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۶۷ رجوع کنید.

۲- ر. ک: الامام الصادق و المذاهب الاربعه، ج ۲، ص ۲۹.

۳- ر. ک: رجال کشی، ج ۲، ص ۵۵۴-۵۵۶

۴- ر. ک: همان، ص ۶۲۲.



و کمال رسیده بودند که امام (ع) آنان را امین بر حلال و حرام خدا و وجودشان را مایه آبرو و زینت دین و برپا دارنده عدل و داد و راستی می دانست..^۱(۷۲)

این گروه با بحثها و مناظره های علمی و اعتقادی فراوانی که با گروههای مختلف فکری داشته و نیز نوشته ها و تالیفات ارزشمندی که در موضوعات گوناگون فقهی، تفسیری، کلامی، اخلاقی و ... از خود برجای گذاشتند، حریم امامت را پاس داشتند و بزرگترین خدمت را به مکتب جعفری ارائه نمودند.

تنها در فقه حدود چهار صد کتاب و رساله از چهار صد نفر از این گروه زبده و ممتاز از دانشجویان مکتب جعفری نگاشته شد که در اصطلاح فقها به (اصول اربعمأء) یعنی (اصول چهار صد گانه) معروف است که بعدها با کوشش فقهای گرانقدری مثل ثقة الاسلام کلینی، شیخ طوسی و شیخ صدوق در کتابهای ارزشمند: (کافی)، (استبصار)، (تهذیب) و (من لا یحضره الفقیه) گرد آمد و محتوای این کتابها را تشکیل داد.

شاگردان ممتاز دانشگاه جعفری علاوه بر مهارتها و بایستگیهای عمومی هر کدام در رشته خاصی از دانش روز، مهارت و تخصص داشتند؛ به عنوان نمونه: حمران بن اعین در دانش قرائت قرآن؛ ابان بن تغلب در ادبیات؛ زاره، محمد بن مسلم و ... در فقه و حدیث؛ مؤمن طاق در دانش کلام و تفسیر قرآن؛ هشام بن حکم و هشام بن سالم در کلام و عقاید؛ جابر بن حیان در علوم طبیعی و ...

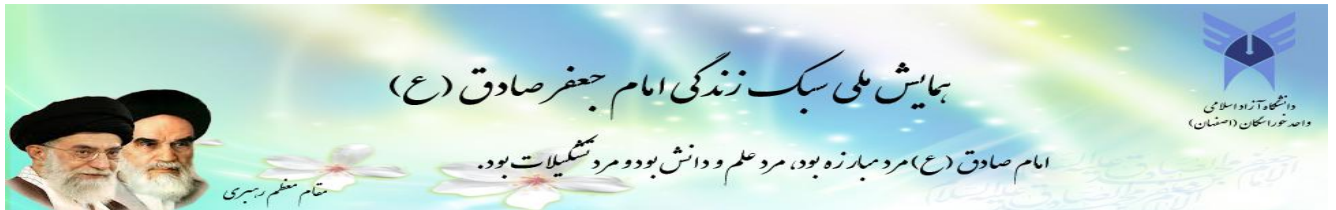
در خاتمه این بحث به سخنانی از امام صادق (ع)

تنها در فقه حدود چهار صد کتاب و رساله از چهار صد نفر از این گروه زبده و ممتاز از دانشجویان مکتب جعفری نگاشته شد که در اصطلاح فقها به (اصول اربعمأء) یعنی (اصول چهار صد گانه) معروف است که بعدها با کوشش فقهای گرانقدری مثل ثقة الاسلام کلینی، شیخ طوسی و شیخ صدوق در کتابهای ارزشمند: (کافی)، (استبصار)، (تهذیب) و (من لا یحضره الفقیه) گرد آمد و محتوای این کتابها را تشکیل داد.

شاگردان ممتاز دانشگاه جعفری علاوه بر مهارتها و بایستگیهای عمومی هر کدام در رشته خاصی از دانش روز، مهارت و تخصص داشتند؛ به عنوان نمونه: حمران بن اعین در دانش قرائت قرآن؛ ابان بن تغلب در ادبیات؛ زاره، محمد بن مسلم و ... در فقه و حدیث؛ مؤمن طاق در دانش کلام و تفسیر قرآن؛ هشام بن حکم و هشام بن سالم در کلام و عقاید؛ جابر بن حیان در علوم طبیعی و ...

در خاتمه این بحث به سخنانی از امام صادق (ع) در باره این گروه از اصحاب خود تبرک می جویم تا قدر و منزلت علمی و جایگاه معنوی آنان در میان دیگر دانشجویان مکتب جعفری روشنتر شود.

۱- در باره زاره، محمد بن مسلم، برید بن معاویه و لیث بختری:



(اوتاد روی زمین و سرشناسان دین چهار نفرند: محمد بن مسلم ، برید بن معاویه ، لیث بن بختری مرادی و زرارۀ بن اعین .). (۷۳)^۱

و نیز فرمود:

(یاران پدرام ؛ زرارۀ بن اعین ، محمد بن مسلم ، لیث مرادی و برید عجلی ، مرده و زنده شان مایه آبرو و زینت (ما و دین) بوده اند. اینان برپا دارنده عدل و داد و صدق و راستی و از پیشروان و مهربانند). (۷۴)^۲

۲- در باره ابان بن تغلب ، زمانی که خبر رحلتش را دریافت کرد:

(به خدا سوگند، مرگ ابان دل مرا به درد آورد). (۷۵)^۳

۳- در شائن داوود بن کثیر رقی:

(داوود نزد ما به منزله مقدار است برای رسول خدا (ص))

۴- در مرتبت عبدالله ابی یعفرور پس از درگذشت وی:

(... او به رحمت حق پیوست ، در حالی که به عهد و پیمان خویش با خدا، پیامبر و امام زمانش وفا کرد. وی از دنیا رفت در حالی که آثار پسندیده ای از خود بر جای گذاشت ؛ کوششهایش قابل ستایش، لغزشهایش بخشوده و خود مشمول لطف و رحمت خدای خویش قرار گرفت . خدا و رسول او و پیشوایش از او خشنود بودند. سوگند به خویشاوندی ام با رسول خدا(ص)، در زمان ما کسی مطیع تر از او در برابر خدا، پیامبر و امامش نبود. او پیوسته چنین بود تا خدا به رحمت خود او را قبض روح کرد و به بهشت منتقل ساخت و در آنجا او را همنشین رسول خاد و امیر مؤمنان قرار داد...+). (۷۶)^۴ +++

۵ - در باره هشام بن حکم:

(هشام، خواهان و جوینده حقّ ما، پیشگام در (عمل به) سخن ما، تاءید کننده صداقت ما و به خاک مالنده دماغ باطل و دشمنان ماست .هر کس از او پیروی کند و پای جای پای او بگذارد، از ما پیروی کرده و هر که با وی به مخالفت برخیزد و منکر او شود، در حقیقت به دشمن ما برخاسته و منکر ما شده است .). (۷۷)^۵

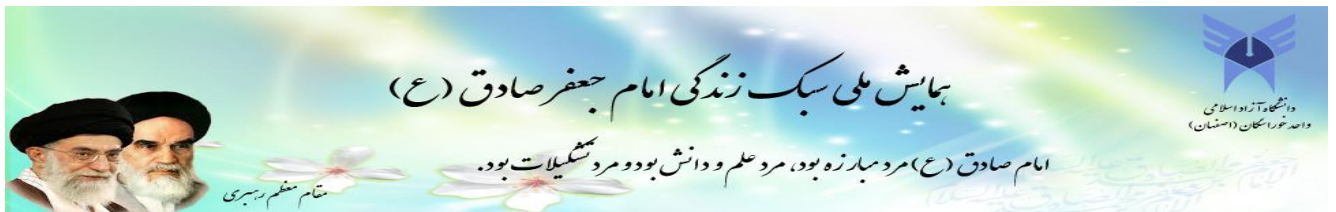
۱- رجال کشی ، ج ۲ ، ص ۵۰۷.

۲- همان ، ص ۵۰۸.

۳- رجال نجاشی ، ص ۱۰.

۴- رجال کشی ، ج ۲ ، ص ۵۱۸.

۵- معالم العلماء ، ابن شهر آشوب ، ص ۱۲۸.



ب - تبیین فقه و تفسیر قرآن به روش خاص شیعی

از برکات ارزشمند و دستاوردهای مهم دانشگاه بزرگ جعفری تبیین فقه اسلامی به روش ناب محمدی و تفسیر قرآن کریم به روال مکتب اهل بیت علیهم السلام است. در ذیل در حد گنجایش درس به تبیین نقش امام صادق (ع) در دو موضع یاد شده می پردازیم.

۱- تبیین فقه به روش ناب محمدی

برای آنکه نقش امام صادق (ع) در ایفای این رسالت بزرگ و بنیادین بهتر روشن شود لازم است مقدمه ای را یاد آور شویم و آن اینکه: اساسی ترین تفاوت میان دستگاه خلافت اسلامی با دیگر تشکیلات حکومتی این است که دستگاه خلافت در اسلام یک تشکیلات سیاسی صرف نیست؛ بلکه یک تشکیلات سیاسی - مذهبی است. عنوان و لقب (خلیفه) برای حاکم اسلامی نشان دهنده این حقیقت است که وی بیش از آنکه یک رهبر سیاسی باشد جانشین پیامبر (ص) است، و پیامبر (ص)، هم آورنده دین، پیشوای مذهب و آموزگار اخلاق است و هم حاکم و رهبر سیاسی؛ بنابراین (خلیفه) در اسلام، بجز سیاست، متکفل امور دینی مردم و پیشوای مذهبی آنان نیز هست.

این حقیقت مسلم، موجب آن شد که پس از نخستین سلسله خلفای اسلامی، زمامداران بعدی که از آگاهیهای دینی، بسیار کم نصیب و گاه بکلی بی بهره بودند، در صدد برآیند که این کمبود را به وسیله رجال دینی وابسته را بازهم ترکیبی از دین و سیاست سازند.

فایده مهم دیگری که وجود عناصر شریعت مآب در دستگاه حکومت داشت، آن بود که اینان طبق میل و فرمان زمامدار ستم پیشه و مستبد، به آسانی می توانستند احکام دین را به اقتضای مصالح حکومتی تغییر دهند و در پوششی از استنباط و اجتهاد که برای مردم عادی قابل تشخیص نبود، حکم خدای را به خاطر خدایگان دگرگون سازند.

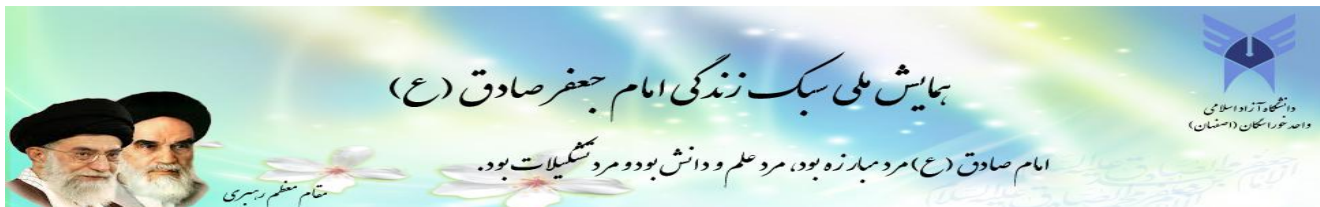
تغییر احکام الهی به نفع مصالح حکومتی و با تکیه بر رایی و اجتهاد، باب خطر ناکی بود که پس از رحلت رسول خدا توسط خلفای بناحق، بر روی فقه اسلامی گشوده شد و از مسیر آن، بسیاری از نظریات و فتاوی حکومتی تحت عنوان احکام الهی عبور کرد.

تفاوتی که بین خلفای نخستین و بعدیها وجود دارد این است که پیشینیان، خود این کار را می کردند ولی خلفای بعدی توسط عالمان و فقیهان مزدور وابسته به حکومت.

محدثان و مورخان اسلامی نمونه های زیادی از جعل حدیث را که غالباً دست قدرتهای سیاسی در آن نمایان است، ذکر کرده اند..(۷۸)^۱

این کار که تا اواخر قرن اول هجری بیشتر شکل روایت و حدیث داشت، کم کم شکل فتوا نیز یافت و در اواخر دوران بنی امیه و اوائل حکومت بنی عباس فقهای بسیاری پدید آمدند که با

۱- برای آشنایی با نمونه های این احادیث و نیز وضع کنندگان آنها به (الامام الصادق والمذاهب الاربعه)، ج ۱، ص ۲۵۱-۲۶۷ رجوع کنید.



استفاده از شیوه های بدعت آمیز همچون قیاس (۷۹)^۱ و استحسان (۸۰)^۲، احکام اسلامی را طبق نظر خود که همان نظر قدرتمند حاکم بود صادر می کردند... (۸۱)^۳

مدینه و کوفه دو پایگاه فقاہت: در دوران امام صادق (ع) مدینه و کوفه دو مرکز مهم فقاہت به شمار می رفتند. در این میان مدینه به عنوان پایگاه علم و مرکز تجمع اصحاب پیامبر (ص) و خاندان آن حضرت و نیز تابعین، از جایگاه ممتازی برخوردار بود و مردم از سرتاسر بلاد اسلامی برای فراگیری مسائل روزمره و مورد ابتلای خود بدانجا مراجعه می کردند و از فقها کسب تکلیف می نمودند. آنان نیز طبق فتوا و رأی خود، مسائل را پاسخ می دادند.

تفاوت مهم و اساسی که بین فقهای حجاز و عراق وجود داشت این بود که فقهای حجاز همچون مالک، شافعی و احمد حنبل در فتوای خود بیشتر بر احادیث تکیه می کردند، از این رو، (اصحاب حدیث) نامیده شدند؛ ولی فقهای عراق مثل ابوحنیفه، ابویوسف قاضی، محمدبن حسن شیبانی و ...، مبنای فتوای خود را قیاس و استحسان قرار داده بودند؛ از این رو به (اصحاب رأی) معروف شدند. و بدین ترتیب دو جناح عمده فقهی در جامعه اسلامی پدید آمد. اختلاف و کشمکش بین این دو جناح به حدی شدید بود که هر یک، دیگری را متهم به بی دینی و کفر می کرد. دستگاه حکومت نیز به اقتضای مصالح خود، همواره بر این اختلاف دامن می زد و هر زمان، از جناحی جانبداری می کرد. البته هر یک از دو جناح یادشده در میان خود به تعداد نفرات صاحب نظر در مسائل فقهی، دچار اختلاف و پراکندگی بودند. هر فرد برای خود، مکتب و مسلک خاصی داشت.

جهت گیری عمومی مسلکهای فقهی موجود، وابسته بودن همه آنها به دستگاههای حکومتی غاصب زمان خود و ضدیت با مکتب فقهی اهل بیت بود. این فقیهان در موارد بسیاری حقیقت را فدای مصلحت دستگاه خلافت ساخته و در برابر بهای ناچیزی حکم خدا را تحریف و دگرگون می کردند.

امام صادق (ع) و تبیین گسترش فقه ناب: در مقابل جریان فقهی وابسته یاد شده، مسلک اصیل و امین دیگری به مرجعیت الهی امام صادق (ع) در جریان بود که به هیچ تشکیلات سیاسی وابسته نبود و هیچ مصلحتی را بر مصلحت تبیین درست و خداپسندانه احکام الهی مقدم نمی داشت و به طور قهری، در هر قدم، رویا روی دستگاه حکومت و فقاہت مزدورش قرار می گرفت، از این رو، در بیشتر اوقات، شکل پنهانی و غیر رسمی داشت.

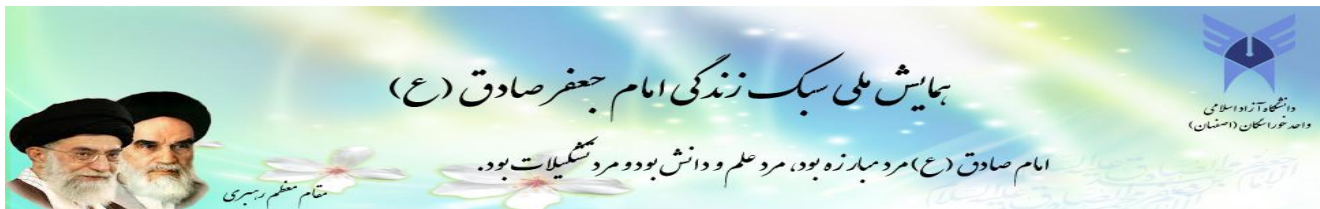
امام صادق (ع) با تلاشی پی گیر، فقه اسلامی ناب را به صورتی منظم و منسجم در آورد و برای آن اصول و مبانی قرار داد که منبع و مبنای بسیاری از قوانین و فروع فقهی گردید. هم اکنون بیش از یکصد و پنجاه قاعده

۱- قیاس در اصطلاح فقهی عبارت است از سرایت دادن حکمی از یک موضوع به موضوع دیگر به استناد جامعی که بین آن دو وجود دارد.

موضوع نخستین را اصل و موضوع دومین را فرع گویند (ر. ک: درآمدی بر حقوق اسلامی، ج ۱، ص ۳۴۲)

۲- استحسان عبارت از: بترجیح یکی از دو قیاس یا صرف نظر کردن از عموم یک قیاس به واسطه قیاس دیگر. (ر. ک: همان، ص ۳۵۰)

۳- برگرفته شده از پیشوای صادق، ص ۸۶-۸۸



مهم فقهی و اصولی وجود دارد که مورد استناد فقهای بزرگوار شیعه در ابواب و کتابهای مختلف فقهی و اصولی قرار می گیرد و هزاران مسأله و فرع فقهی از آنها استخراج می شود. بیشتر این قواعد به وسیله امام صادق (ع) عرضه شده است .. (۸۲)^۱ او خود در این زمینه می فرماید:

(إِنَّمَا عَلَيْنَا أَنْ نُلْقِيَ إِلَيْكُمُ الْأُصُولَ وَ عَلَيْكُمْ أَنْ تُفَرِّغُوا). (۸۳)^۲

وظیفه ما القا و عرضه اصول و قواعد کلی برای شماست ؛ ولی تفریع (طبیق آنها بر موارد و مصادیق و استخراج فروع و احکام جزئی از آنها) به عهده شما خواهد بود.

بر اثر مجاهدتهای امام صادق (ع) در تبیین اسلام ناب و گسترش فقه شیعه ، مذهب شیعه را (مذهب جعفری) و فقه آن را (فقه جعفری) می نامند.

فعالیتهای امام (ع) در این زمینه دو بعد داشت:

نخست بیان حقیقت فقه اسلامی در ابواب مختلف عبادات و معاملات و پاسخ به نیازها، پرسشها و مراجعات امت اسلامی به عنوان تنها مرجع صلاحیتدار و مورد اعتماد مردم . دیگر، موضعگیری علیه دستگاه خلافت و فقیهان وابسته به آن.

برنابراین (فقه جعفری) در برابر فقه دیگر فقیهان رسمی روزگار امام (ع) ، فقط یک اختلاف عقیده نبود، بلکه در عین حال ، دو مضمون متعارضانه را نیز با خود حمل می کرد: نخست ، اثبات بی نصیبی دستگاه حکومت از آگاهی دینی و ناتوانی آن از داره امور فکری مردم و در نهایت ، عدم صلاحیتش برای تصدی مقام خلافت اسلامی و دیگر مشخص ساختن موارد تحریف در فقه رسمی که ناشی از مصلحت اندیشی فقیهان در بیان احکام فقهی و ملاحظه کاری آنان در برابر تحکّم و خواست قدرتهای حاکم بود.

امام صادق (ع) با عرضه فقه شیعی و گشودن باب اجتهاد و باز داشتن یاران خود از عمل به (قیاس) ، (استحسان) ، (اخبار غیر صحیح) و ... عملاً به مبارزه با دستگاه خلافت و فقه حکومتی برخاست و بدین وسیله تمام تشکیلات مذهبی و فقهت رسمی را - که یک رکن مهم حکومت خلف به شمار می آمد - تخطئه کرد و دستگاه حکومت را از بعد مذهبی اش تهی ساخت.

پیشوای ششم در کشمکش این دو جریان سیاسی و فقهاتی ، مرجعیت الهی خود و لزوم پیروی مردم از خاندان رسالت را چنین بیان می کند:

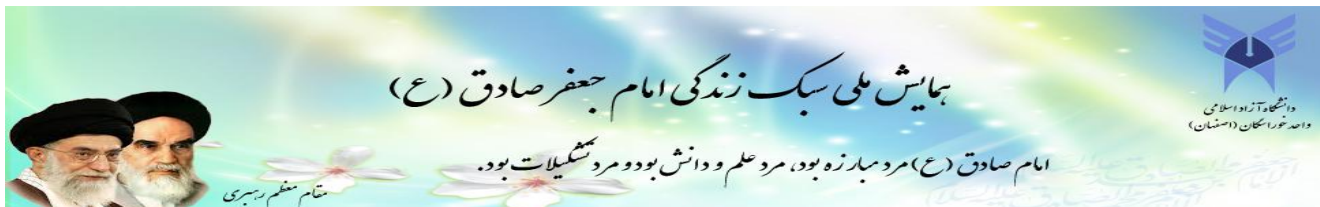
(نَحْنُ قَوْمٌ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا وَأَنْتُمْ تَأْتَمُونَ بِمَنْ يُعْذَرُ النَّاسُ بِجَهَالَتِهِ). (۸۴)^۳

ما کسانی هستیم که خداوند اطاعت ما را (بر همگان) واجب کرده است . در حالی که شما از کسانی تبعیت می کنید که مردم به نادانی آنها معذور نیستند.

۱- برای آگاهی بیشتر از این قواعد به کتابهای : (القواعد الفقهیه) میرزا حسن موسوی بجنودی و (اصطلاحات الاصول) ، علی مشکینی رجوع کنید.

۲- بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۴۵.

۳- کافی، ج ۱، ص ۱۸۶.



امام (ع) در این بیان، علاوه بر آنکه خود را از سوی خداوند (واجب الاطاعه) معرفی کرده است، به افرادی که بر اثر جهالت، دچار انحراف گشته، رهبری و مرجعیت غیر امامان معصوم را پذیرفته اند، هشدار داده که چنین افرادی در پیشگاه الهی معذور نیستند.

منصور دوانیقی به نقش این مبارزه غیر مستقیم امام و خطر آن برای حکوت خود توجه داشت، از این رو، برای جلوگیری از گسترش آن، دست به اقداماتی زد: اولاً، برای فعالیتهای آموزشی و فقیه امام (ع) محدودیتهایی ایجاد کرد: کرسی درس آن حضرت را تعطیل نمود و دانش پژوهان را از رفت و آمد به منزل آن حضرت باز داشت. تا آنجا که در مسائل ضروری نیز مثل مسائل مربوط به زناشویی، طلاق و امثال اینها که برای مسلمانان پیش می آمد، دسترسی به آن حضرت بسیار مشکل بود و افراد ناچار بودند بدون آگاهی از حکم شرعی مسأله، از همسر خود کناره بگیرند...^۱(۸۵)

ثانیاً، فقهای معروف حجاز و عراق را در مقر حکومت خود گرد آورد و آنان را به مناظره و مباحثه با پیشوای ششم (ع) تشویق کرد. ابوحنیفه در میان فقها، در مناظره و جدل فردی بسیار قوی و چیره دست بود. چندانکه بعضی در باره او گفته اند: اگر بگوید این دیوار از طلاست، توانایی اثبات آن را با دلیل قیاسی دارد...^۲(۸۶)

منصور، وی را برای مناظره با امام صادق (ع) و محکوم کردن آن حضرت به عراق دعوت کرد و از ویی خواست مسائل مشکلی آماده کند و در یک جمع عمومی از امام بپرسد تا شاید بدین وسیله بتواند از گسترش روز افزون (فقه جعفری) جلوگیری کند. ابوحنیفه، چهل مسأله مهم و مشکل آماده کرد و از امام (ع) پرسید. امام (ع) به همه آنها پاسخ گفت، ضمن آنکه در هر مسأله ای نظر و فتوای فقهای حجاز و عراق را نیز بیان می کرد...^۳(۸۷) و بدین ترتیب این توطئه منصور نیز خنثی شد.

۲- تفسیر قرآن به روال مکتب اهل بیت.

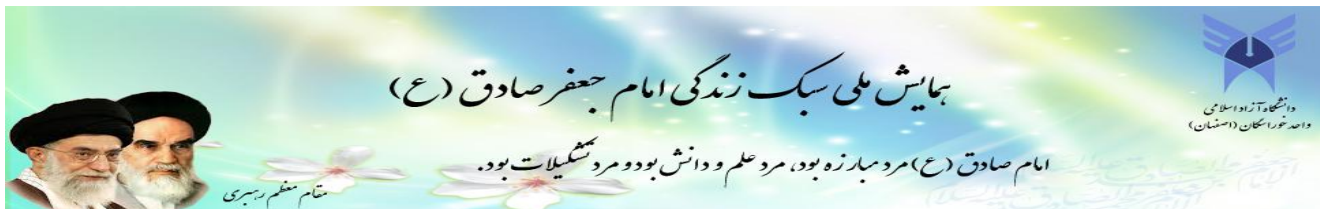
قرآن، اصیل ترین و معتبرترین منبعی است که همه مسلمانان به ریسمان استوار آن چنگ می زنند و حتی مخالفان اهل بیت برای کنار گذاردن آنان از صحنه سیاست پس از رحلت پیامبر (ص)، شعار (حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ) را سر دادند و به بهانه مانع شدن احادیث رسول خدا (ص) از توجه مسلمانان به قرآن، اصحاب پیامبر (ص) را از ضبط و تدوین احادیث باز داشتند...^۴(۸۸) غافل از آنکه با اتخاذ چنین سیاسی نه تنها خدمتی به قرآن نکرده اند، بلکه بزرگترین ضربه را به این برترین کتاب آسمانی خواهند زد، زیرا (قرآن) بدون (عترت)

^۱ - مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۳۸.

^۲ ر. ک: الامام الصادق و المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۳۱۵.

^۳ ر. ک: همان، ص ۵۳.

^۴ - فرائد السمطين، جوینی خراسانی، ج ۲، ص ۱۴۴، بیروت.



نمی تواند هدایت کننده ، سازنده و راهگشا باشد. این تفکیک ناپذیری در سفارش مهم رسول اکرم (ص) به امت در واپسین روزهای حیات پربرکت خود نمایان است آنجا که فرمود:

(أَنْتِ تَارِكَةٌ فَيْكُمْ أَثْقَالَيْنِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ عِزَّتِي أَهْلِ بَيْتِي ، أَلَا وَهُمَا الْخَلِيفَتَانِ مِنْ بَعْدِي وَ كَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ)

من دو چیز را گرانها؛ کتاب خدا و عترت و خاندانم را در میان شما به یادگار می گذارم ؛ آن دو، جانشینان پس از من هستند و از یکدیگر جدا نمی شوند تا زمانی که در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

این سخن نورانی پیامبر(ص) بیانگر این است که دانش قرآن نزد عترت پیامبر(ص) است و بدون (عترت) نمی توان به حقیقت و ژرفای قرآن دست یافت.

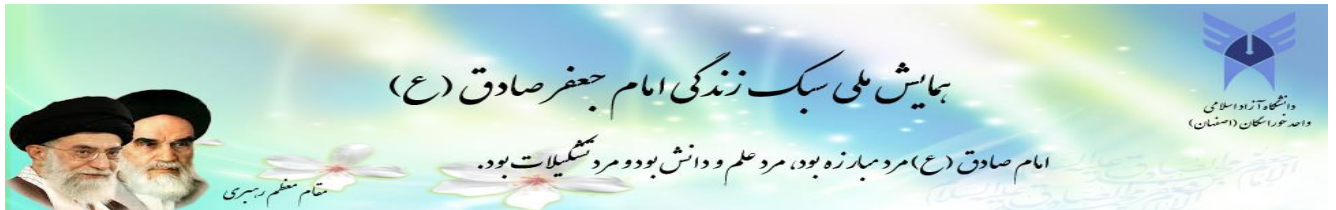
انگیزه اصلی حکومتمداران غاصب پس از رحلت رسول خدا(ص) از جدایی میان قرآن و عترت ، خدمت به کتاب آسمانی نبود، بلکه این بود که قرآن را از اهلش و مفسران اصلی اش جدا کنند تا به راحتی بتوانند احکام و دستورهای آن را با تکیه بر تفسیر به راء مثل قیاس ، استحسان و ... برطبق مصالح و منافع حکومتی و اعتقادی خود تفسیر کنند .بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ، حضرت امام خمینی (قدس سره)، در مقدمه وصیت نامه سیاسی - الهی خود در توضیح حدیث شریف یاد شده می فرماید:

مسائل اسف انگیزی که باید برای آن خون گریه کرد، پس از شهادت حضرت علی (ع) شروع شد. خود خواهان و طاغوتیان ، قرآن کریم را وسیله ای کردند برای حکومتهای ضد قرآنی و مفسران حقیقی قرآن و آشنایان به حقایق را که سراسر قرآن را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دریافت کرده بودند و ندای : (انی تارک فیکم الثقلین) در گوششان بود، با بهانه های مختلف و توطئه های از پیش تهیه شده آنان را عقب زده و با قرآن در حقیقت ، قرآن را که برای بشریت تا ورد به حوض ، بزرگترین دستور زندگانی مادی و معنوی بود، و هست ، از صحنه خارج کردند. ...

امام صادق (ع) در مبارزه با چنین توطئه خطرناکی و قرار دادن قرآن در کنار عترت ، به تفسیر به روش اهل بیت (ع) همت گمارد، بگونه ای که بخشی اعظمی از روایات آن حضرت به تفسیر قرآن اختصاص دارد. روایات رسیده از زمامان (ع) بویژه از امام باقر و امام صادق (ع) در زمینه تفسیر قرآن بقدری زیاد است که بعضی از مفسران ، اساسی کارشان را در تفسیر قرآن بر احادیث قرار داده اند..(۸۹)^۱

اگر کسی بخواهد بداند پیشوای ششم (ع) - در مقابل آراء و نظرات مخالفان خاندان پیامبر(ص) - چه نقشی ارزنده ای در تفسیر قرآن به روال مذهب اهل بیت (ع) داشته ، لازم است مروری به تفسیر شریف (مجمع البیان) بکند و آراء آن حضرت را با آنچه که محدثان و مفسران عامه در باره آیه گفته اند مقایسه نماید.

^۱ - برای نمونه می توان از تفسیرهای : برهان ، نورالثقلین و مجمع البیان نام برد.



از میان پرورش یافتگان مکتب جعفری برخی از آنان همچون: حمران بن اعین و ابان بن تغلب در زمینه تفسیر و علوم قرآنی مهارت خاصی داشته و در این باره دارای تالیفات بودند.

در پایان این بحث، به دو سخن پیشوای ششم (ع) در زمینه آگاهیهای آن حضرت از علوم قرآنی تبرک می جوئیم.

۱- (وَاللَّهِ إِنِّي لَأَعْلَمُ كِتَابَ اللَّهِ مِنْ أَوْلَاهِ إِلَى آخِرِهِ كَأَنَّهُ فِي كَفْيٍ فِ يَهُ خَبْرُ السَّمَاءِ وَ خَبْرُ الْأَرْضِ وَ خَبْرُ مَا كَانَ خَبْرًا مَا كَانَ وَ خَبْرُ مَا هُوَ كَائِنٌ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: فِيهِ تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ). (۹۰)^۱

سوگند به خدا! من دانش قرآن را از آغاز تا انجامش می دانم. گویی تمام مطالب و علوم آن در مشت من است. در قرآن خبر آسمان، خبر زمین، خبر گذشته و خبر آینده وجود دارد. خدای عزوجل می فرماید: در آن بیان هر چیزی هست.

۲- امام (ع) پس از تلاوت آیه ۴۰ از سوره نمل مربوط به آصف بن برخیا که عالم به بخشی از کتاب بود و به حضرت سلیمان گفت: پیش از آنکه چشم بر هم زنی آن (تخت بلقیس) را نزد تو خواهم آورد، انگشتان دستش را گشود و بر سینه اش نهاد و فرمود: به خدا سوگند، تمامی دانشهای قرآن نزد ماست (۹۱)^۲

مدلی برای ایجاد دانشگاه اسلامی بر مبنای الگوی امام صادق (ع)

^۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۲۹. ذیل سخن امام (ع) اشاره به آیه ۹۱ از سوی نحل است که می فرماید: (وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ ۚ)

^۲- همان

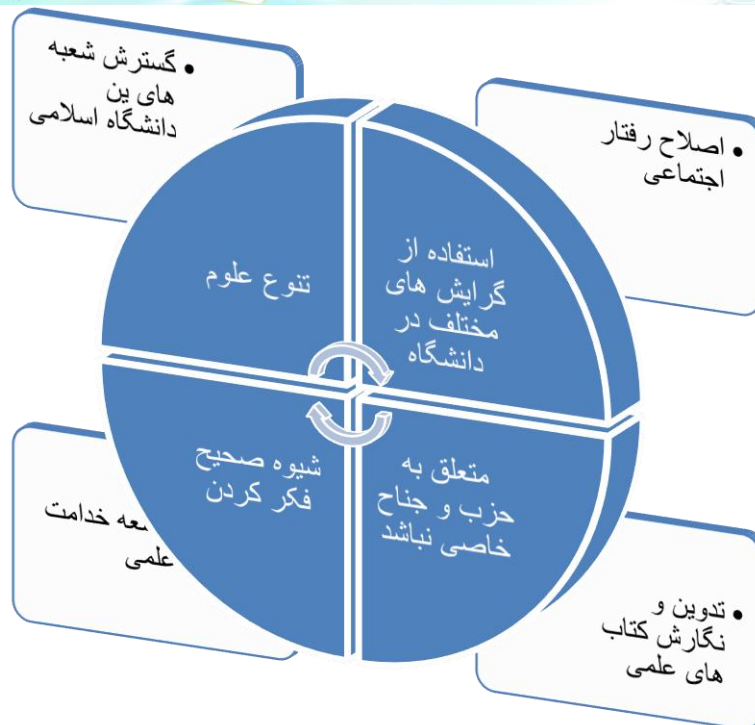
^۳- زندگانی امام جعفر صادق (ع)، رمضانعلی رفیعی، صفحات ۶-۱۰ و ۱۷-۲۲

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد همکلیات بود.

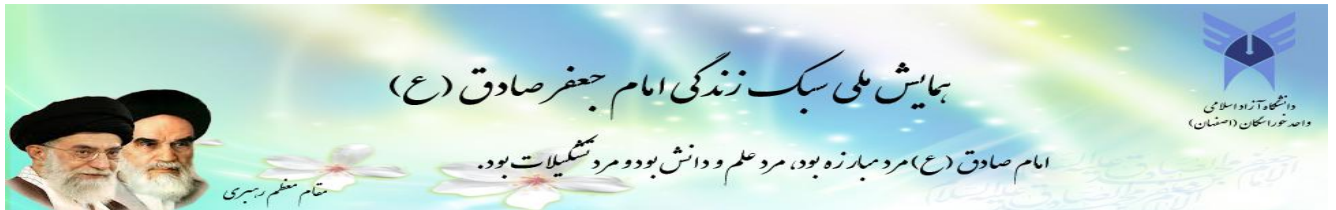


در این مدل دانشگاه به دو قسمت درونی و بیرونی تقسیم می شود در درون بایستی این شاخصه ها را داشته باشد در این دانشگاه گرایش های مختلف با تفکرات مختلف وجود داشته باشد و محدود به نظریه خاصی نباشد. تمامی علوم تدریس شود و منوط به رشته خاصی نباشد و به دانشجویان نحوه صحیح مطالعه کردن و فکر کردن را یاد بدهد نه اینکه چگونه تقلب کند تا به اهداف خود دست یابد. در پوسته بیرونی نیز این دانشگاه سبب اصلاح رفتار اجتماعی می شود دانشجویان در راه اصلاح جامعه قدم بر می دارند. این دانشجویان خدمات علمی متعددی را انجام می دهند به امید آنکه جامعه ما نیز بتواند نیروی پرورش دهد که متعهد و دین دارد باشند و دارای اندیشه های والا باشند و برای رسیدن به اهداف متعالی تلاش کنند.

منابع:

منابع دسته اول:

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۲۹
۲. المحالسن و المساوی، ص ۲۴۶، دارصادر (بیروت).
۳. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵۷.
۴. مروج الذهب، ج ۳، ص ۳۳، دارالهیجره (قم).



۵. رجال کشی، ج ۲، ص ۵۱۸.
۶. : الامام الصادق و المذاهب الاربعه، ج ۲،
۷. مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴
۸. فرائد السمطين، جوینی خراسانی، ج ۲، ص ۱۴۴، بیروت.
۹. وسائل الشیعه، ۵۷/۱۸ - ۵۹.
- بصائر الدرجات / ۱۴۹.
۱۰. وسائل الشیعه، ۵۷/۸ - ۵۹.
۱۱. اصول کافی ۵۲/۱.
۱۲. احتجاج ۱۳۴/۲

منابع دسته دوم:

۱۳. زندگانی امام جعفر صادق، رمضانعلی رفیعی، تهران: تحسین، ۱۳۸۳

14 تاریخ اسلام در عصر امامت امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) رفیعی، رمضانعلی، تهران: فیض، ۱۳۷۶